

عوامل موثر بر سن ازدواج (1)

((عوامل موثر بر سن ازدواج)) عنوان تحقیقی است که خانم فاطمه برهانی به انجام رسانده است.



قسمت اول
فاطمه برهانی

اشاره:

((عوامل موثر بر سن ازدواج)) عنوان تحقیقی است که خانم فاطمه برهانی به انجام رسانده است. این تحقیق که در دو قسمت تقدیم خوانندگان محترم خواهد شد آن دسته از عوامل جسمی - روانی، اجتماعی- فرهنگی، اجتماعی- اقتصادی و نیز اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی که در ازدواج از نظر شرایط سنی تأثیر می گذارد را مورد بررسی قرار می دهد. آنچه در این قسمت می خوانید شامل دو بخش نخست می گردد. دو محور بعدی و نیز منابع تحقیق را در قسمت بعد خواهیم آورد. ان شاء الله. لازم به یادآوری است این مقاله توسط مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده است و در اختیار مجله قرار گرفته است.

مقدمه

ازدواج یکی از اساسی ترین و در عین حال حساسترین مراحل زندگی انسان به شمار می رود. انسان بنابر سرشت و ماهیت وجودی خویش و وابستگی به غیر در پاسخ به نیازهای درونی و بیرونی خود همواره از فردگرایی گریزان بوده است. حتی انسان بدوی نیز بی نیاز از زندگی مشترک (خانوادگی و گروهی) نبود. ازدواج اصلی ترین و عالی ترین نمود این پاسخ است و مظهری از قانون گروه گرایی اوست. (1)

از دیدگاه جامعه شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام بخش خانواده است. از دید روانشناسی ازدواج یکی از بالاترین ترکیبات روانی را در بر دارد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعات انسانی و بیماریها، متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش آن حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می تواند از اشاعه فساد و فحشا و رفتارهای ناپسندی که می تواند پیامد مستقیم عنان گسیختگی غرایز جنسی باشد جلوگیری کند و یکی از پایه های حفظ سلامت جامعه است. از دیدگاه اسلام، ازدواج ضمن دارا بودن همه ویژگیهای لازم در حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی و بقای نسل و جلوگیری از انحرافهای مختلف، عبادت به شمار می آید و راهی است که به کمال انسان منتهی می شود. ازدواج در اصلاح کجرویهای اجتماعی، تضمین بهداشت روانی، کاهش زشت رفتاریهای اخلاقی، نقش تعیین کننده و بس مهمی دارد. (2) در مورد ضرورت امر ازدواج و اهمیت آن هیچ جای تردیدی نیست، در اسلام به مسأله ازدواج خیلی اهمیت داده شده و برای آن مقررات خاصی تعیین شده است. ازدواج از نظر اسلام وسیله ای است که زن و شوهر در سایه آن با کمال آسایش و اطمینان به حقوق خود، در کنار یکدیگر زندگی می کنند (3) و در دین سفارش اکید به این امر شده، بطوری که در میزان الحکمه آمده است: ((هنگامی که بنده ای ازدواج کرد نصف دینش کامل می شود پس باید در نگهداری نصف دیگرش تقوای خدا را پیشه کند.)) (7817 و همین طور، ((بنایی در اسلام محبوبتر و عزیزتر در نزد خداوند عزوجل از تزویج نیست.)) (7798.

از نقطه نظر اجتماعی بدون تردید ازدواج واجد ارزش است و از آن جمله آداب اجتماعی است که در تمام جوامع بشری آن طور که تاریخ نشان می دهد تا به امروز متداول بوده و این خود دلیلی بر اینکه یک سنت فطری است می باشد. (4)

آلن ژربار (5) در اثرش ((گزینش همسر در فرانسه معاصر)) می نویسد: ((در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است: هم از نظرگاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادنیست که همانند آن جهانی و از نظر عنایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونیهای اجتماعی قرار نمی گیرد.)) (6)

قطع رشته حیات یا ایجاد سد و مانع در قبال پیدایش حیات و متوقف ساختن سیر و جریان آن در هر مرحله ای که باشد برخلاف اصول حیاتی و قراردادهای اجتماعی است که شرایع نیز آن را مذموم شمرده و مرتکب را بزهکار دانسته اند. تجرد و ترک ازدواج عملاً سیر طبیعی حیات را در مراحل اولیه و استفاده از مواهب خلقت را به ناصوابی ممنوع می دارد. ازدواج مسوولیتها و وظایف خطیری را بر زن و مرد تحمیل می کند که تکفل این مسوولیتها مستلزم فعالیتها ذهنی بیشتر است و طبعاً با استفاده از این فعالیتها ذهنی، قوای روانی و عقلانی تقویت و در پرتو نیرو و رشد حاصله، استفاده بیشتری در امور حیاتی شده است. مرد یا زن مجرد را انگیزه ای برای استفاده از چنین نیروی ذهنی و روانی نیست. (7)

با وجود اینکه امروزه همزیستیهای آزاد زن و مرد در کشورهای صنعتی رو به ازدیاد است ولی همچنان ازدواج به علت تأکیدی که عرف

و سنت و دین و قوانین رسمی بر آن دارند مبنای اکثر قریب به اتفاق همزیستیهاست بخصوص اگر میل به فرزند آوردن وجود داشته باشد. به طور قطع می توان گفت، هیچ جامعه ای نمی تواند در برابر ازدواج - یا پدیده ای که توزیع ژن را در آن تحت تاثیر قرار می دهد، و از دیدگاهی بقای نسل و تطور کمی و کیفی آن بدان مربوط است بی توجه ماند. (8)

با توجه به تمامی تعاریفی که ذکر شد و با عنایت به اینکه ازدواج پدیده ای است اجتماعی و کاملا همه جایی و عمومی و دارای اهمیت بسیار و با وجود ضرورت قطعی آن، در هیچ کجا تاکیدی در خصوص سن ازدواج به عمل نیامده، جز در دین و قانون که حدنصابی وجود دارد ولی عملا سنین ازدواج بسیار متفاوت می باشد. درست است که سن ازدواج به طور طبیعی به یک سری عوامل بستگی دارد، ولی این عوامل در جامعه ما تحت تاثیر تغییرات و تحولات و شرایط اجتماعی و اقتصادی و تغییر و تحول در ارزشها و هنجارها، به یکباره بسیار زیاد می شوند و انجام این وظیفه خطیر را دچار اشکال ساخته، گاه به صورت معمای لاینحلی درآورده و ازدواج به موقع جوانان را به تاخیر انداخته یا اصولا منتفی می کنند. باید توجه داشت برای هر انسان، مخصوصا زن، سالهای خاصی موعد گزینش همسر به شمار می آید چنانچه این سالها سپری شوند، به همان نسبت نیز شانس زوجیت از دست می رود و چه بسیار دچار ((تجرد قطعی)) گردد. (9)

می دانیم برای اینکه ازدواج صورت پذیرد جوانان (خصوصا پسران) باید به بلوغ اقتصادی و اجتماعی برسند تا بتوانند ازدواج کنند. با نگاهی به آمار میانگین سن ازدواج دختران، مشاهده می شود که، در سالهای اخیر این میانگین به تدریج افزایش یافته است. این واقعیت نشان می دهد که امروزه جوانان دیرتر به بلوغ اقتصادی و اجتماعی می رسند و فاصله میان بلوغ جنسی عاطفی و بلوغ اقتصادی و اجتماعی آنها روز به روز بیشتر می شود. و در این فاصله جوانان بلاتکلیف و سرگردان هستند. توجه به این نکته و از بین بردن موانعی که فاصله را افزایش می دهند از ضروریات است. زیرا در این دوره بلاتکلیفی جوان و به تبع آن جامعه در معرض خطر قرار دارد و به نظر می رسد نادیده گرفتن عوارض جسمی و روحی و روانی این تاخیر اصلا به صلاح جامعه اسلامی نباشد.

در اینجا سعی داریم تا جایی که امکان دارد عوامل متعددی را که به نوعی بر سن ازدواج اثر می گذارند و موجب افزایش فاصله و تزلزل در سن ازدواج جوانان می گردند برشمرده و نشان دهیم. در این رابطه باید به این نکته توجه داشت که قشر جوان، قشر بزرگی از جامعه است که با اقبال دیگر در رابطه می باشد و به عبارت دیگر چگونگی وضع آنها با چگونگی وضع دیگر افراد اجتماع رابطه مستقیم دارد و همینطور توجه به اینکه ما نمی توانیم به عامل سن در ازدواج به دید یک ضرورت مجرد و جدا از شخصیت فردی و امکانات اجتماعی و اقتصادی نگاه کنیم.

طبقه بندی عوامل

عوامل موثر بر سن ازدواج ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و تداخل بین آنها اجتناب ناپذیر است ولی با وجود این در اینجا سعی می کنیم عوامل مختلف را به 4 دسته طبقه بندی کنیم که عبارتند از:

1 - عوامل جسمی و روانی

2 - عوامل اجتماعی، فرهنگی

3 - عوامل اجتماعی - اقتصادی

4 - عوامل اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی که هرکدام از این عوامل به نحوی بر سن ازدواج اثر می گذارند و عمدتا موجب افزایش آن می گردند.

الف: عوامل جسمی و روانی موثر در سن ازدواج

نقص جسمی

از جمله عواملی که در سن ازدواج جوانان موثر است و موجب نوسان این متغیر می گردد ویژگیهای جسمی جوان است. در بعضی موارد وجود نقص جسمی یا معلولیتهای مختلف مانعی در راه ازدواج جوانان است که حتی گاهی منجر به تجرد قطعی می شود و یا در بعضی موارد موجب تاخیر در سن ازدواج می گردد.

باروری

سن مناسب برای داشتن فرزند نیز از جمله عوامل عمده در تعیین زمان ازدواج می باشد. می دانیم که سن ازدواج از لحاظ بیولوژیک به ویژه تاثیراتی که بر شرایط زایمان مادر و وضع بدن نوزاد می گذارد مساله بسیار حساس و دقیقی است (10). مادران معمولا از 15 تا 44 سالگی قدرت باروری دارند (11)، ولی صاحب نظران فاصله سنی مشخصی مثلا 23 تا 28 سالگی را بهترین سن برای باروری زن می دانند. غالبا مشاهده می شود که سنین خیلی پایین یا خیلی بالا عوارض نامطلوبی چه از نظر جسمی و روحی برای مادر و چه از نظر

عوامل روانی

وجود مشکلات روحی و روانی بسیار باعث می شود که جوان نتواند به راحتی تصمیم به ازدواج بگیرد. تحقیقات نشان می دهد، اکثر افرادی که حتی شرایط ازدواج برایشان فراهم است بر اثر اضطراب و ترسی که ناخودآگاه در وجود آنها نهفته است از ازدواج سرباز زده و بیشتر به نکات منفی و مسأله شکست در ازدواج فکر می کنند(12). جوان از عدم موفقیت در ازدواج می ترسد. او نمی داند که انتخاب او صحیح بوده یا نه و با چه کسی می خواهد یک عمر زندگی کند، آیا قادر به درک یکدیگر خواهند بود؟ آیا در آینده مشکلی با همسر خود نخواهد داشت؟ آیا خانواده ها با هم سازگاری و هم سوئی خواهند داشت؟ آیا در تربیت فرزندان دچار مشکلی نخواهند شد؟ تمامی این عوامل موجب می شود که یک نوع ترس از ازدواج در بعضی افراد که شخصیت ویژه ای دارند به وجود آید که بیشتر در اثر عدم آگاهی و شناخت است.

ازجمله عوامل روانی دیگر که در رابطه، با سن ازدواج می توان ذکر نمود افسردگی و تمایل به عزلت طلبی و گوشه گیری است(13). افراد افسرده و عزلت طلب از دیدگاه روانشناسی از تیپ درونگرا هستند و از هرگونه معاشرت و مصاحبت و تماس و ارتباط با دیگران هراس داشته و پرهیز می کنند که البته می توان با درمان مناسب این حالت را از بین برد.

ب: عوامل اجتماعی، فرهنگی موثر در

سن ازدواج

آموزش و آگاهی

عامل دیگری که در سن ازدواج موثر است، عدم آگاهی و آموزش لازم است، چه در مورد خانواده ها و چه در مورد خود جوانان.

ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان ازجمله عواملی است که بعضا باعث بروز پاره ای بی تفاوتیها(14) می گردد که بیشتر در خانواده های محروم و کم سواد دیده می شود، و یا مانع تراشیهایی بی موردی را موجب می شود که عملا بر مشکلات ازدواج جوانان می افزاید. اکثر جوانان در این نکته متفق القول هستند که خانواده ها به طور جدی و از طریق تعلیم و آموزش از ازدواج صحبتی به میان نمآورند و فقط با گوشزد کردن ازدواجهای ناموفق و یا به رخ کشیدن ازدواجهای موفق در باب مسأله گهگاه سخنرانی می کنند(15). پدران و مادران که عموما در اینگونه موارد آموزش ندیده اند طبعاً نمی توانند راهنمای فرزندان باشند. هیچ یک از رسانه ها، برنامه های توجیهی در رابطه با ازدواج به موقع جوانان و نارسایی های موجود به علت تأخیر در ازدواج و حتی سختگیریهایی بی مورد خانواده ها و یا تشویق جوانان در مورد فوق ندارند. جوانان آموزش نمی بینند. پیش از ازدواج مسائل برای آنها شکافته نمی شود. در برنامه های درسی مطالب مناسبی برای تشریح زندگی خانوادگی گنجانده نمی شود و در سالهای دبیرستان واقعیات زندگی را به جوانان آموزش نمی دهند تا در همان سالهای جوانی آگاهیهای لازم را کسب کنند و متوجه باشند که با کدام شخصیت بهتر می توانند بیامیزند و کدام بعد منفی طرف مقابل را نمی توانند تحمل کنند تا بدین طریق بتوان از آرمانی سازی ازدواج جلوگیری کرد.(16)

اکثر جوانان اظهار می دارند که تنها مسائل مادی مورد توجه آنها نیست بلکه باید به مسائل روحی آنان نیز توجه شود. جوان چون خود را نمی شناسد و آموزشی به او داده نشده است لذا نمی داند چه می خواهد. معیارهای او معیارهایی است که از طرف جامعه یا خانواده به او القا شده است.

با توجه به اینکه ضرورت ازدواج به موقع برای جوانان و خانواده ها تشریح نشده و با توجه به عواقب این امر عدم آگاهی و آموزش لازم در اینگونه موارد از جمله عوامل موثری است که در سن ازدواج جوانان اثر گذاشته و عمدتاً موجب تأخیر آن می گردند.

تأثیرپذیری جوانان

از طرف دیگر تردیدی نیست که تجربه جوان از زندگی والدین و روابط زناشویی اقوام و اطرافیان، در نگرش او به مسأله ازدواج موثر بوده و هرگونه بدبینی، در اقدام جوان به ازدواج(17)، تأثیر خواهد داشت. درنتیجه در سن ازدواج موثر بوده و احتمالاً موجب افزایش آن می گردد. برگس و کوتزل(18) ادعا می کنند که سعادت پدر و مادر در زندگی زناشویی خود، بر سرنوشت ازدواج فرزندان آنها تأثیر می گذارد. به عقیده کارلسون(19)، ((خرسندی فرزندان در زندگی زناشویی وابسته به خرسندی والدین آنها از زندگی خویش است(((20))).

مشاهده خانواده هایی که در حیات زناشویی موفقیت نداشته و پیوسته در مشاجرات و اختلافات بسر می برند و از سوءاتفاق تعداد آنها کم هم نیست به منزله یک تهدید جدی برای جوانان محسوب می شود. آنها مایل نیستند فراقط خاطر و آسایش خود را از دست بدهند. این دسته از جوانان ناملایمات مجرد را بر گرفتاریها و مشاجرات خانواده های متأهل ترجیح می دهند(21). بنابراین تجارب تلخ از زندگی ناموفق والدین یا اطرافیان موجب روگردانی جوان از امر ازدواج می شود.

اهداف ازدواج

از جمله عوامل موثر بر سن ازدواج تغییر اهداف ازدواج می باشد. در گذشته فرد به هنگام ازدواج بیشتر پایبند ملاحظات اقتصادی و اجتماعی بود ولی امروزه، علیرغم توجه روزافزون به اینگونه موارد، بیشتر طالب همسری است که با او هماهنگی فکری و روحی داشته باشد و از نظر امور ذهنی و معنوی با وی همسانی داشته باشد. این مسأله در انتخاب همسر اثر گذاشته و انتخاب را مشکلتر و در نتیجه سن ازدواج را عقب تر می برد.

انتخاب همسر

از طرف دیگر مسأله انتخاب همسر و تضاد بین طرز فکر و اندیشه دو نسل ایجاد مشکل کرده و بر سن ازدواج اثر گذاشته است. انتخاب همسر به طریقه سنتی و توسط پدر و مادر از جمله مشکلاتی است که جوانان در راه ازدواج خود از آن یاد می کنند. در گذشته خانواده ها فکر می کردند که جوانان برای همسرگزینی صلاحیت لازم را ندارند و بیشتر تابع احساسات اند و به همین جهت حق انتخاب همسر برای فرزندان را از آن خود می دانستند. اکنون عوامل مختلف از جمله رشد فکری و معنوی جوانان به آنها استقلال فکری و قدرت تصمیمگیری داده است به نحوی که تدریجاً حق همسرگزینی را که زمانی برعهده پدر و مادرشان بود خود به عهده گرفته اند.

امروزه دیگر انتخاب همسر مانند گذشته به آسانی انجام نمی گیرد. مرد و زن هر دو مایلند که همسری رفیق زندگی و موافق ذوق خود برگزینند (22) که از همه نظر با او همسویی داشته باشند. امروزه جوانان به مرور در جریان مرحله اول (همسریابی) فعالتر می شوند. و به هنگام اتخاذ تصمیم نهایی که مستلزم ارزیابی و داوری است. کار والدین و بزرگترها آغاز می شود. اما باید گفت سیر قهقراپی قدرت پدر و مادر هرگز به معنای آن نیست که آنها دیگر برای تحمیل خواست خود بر فرزندان کوششی معمول نمی دارند. به نظر کارلسون (23) تصویب و تأیید ازدواج فرزندان توسط پدر و مادر، رضایت فرزندان از زندگی خود را تحت تأثیر مثبت قرار می دهد. فرزندان اغلب مایلند انتخاب آنها همراه با تصویب والدینشان باشد. (24)

در مورد دختران مسأله به صورت دیگری است و به زعم آنان محدوده انتخاب برای آنها یکجانبه می باشد. با وجود آنکه در اسلام خواستگاری دختر از پسر بلامانع است ولی نه تنها فرهنگ ما این موضوع را نمی پذیرد بلکه در سراسر جهان زنان پذیرفته اند که بگویند فلانی مرا خواستگاری کرده است. یعنی زن می پذیرد که اگر وی به خواستگاری مردی برود علامت این است که حاضر به اعتراف به نقص خود شده است تا در کنار مردی آن را کامل کند در صورتی که شخصیت جلب مرد و حفظ نسل زن در برابر شخصیت تفوق طلبی مرد به معنای این است که زن را نقصی در این مسأله نبوده و می تواند یکجا موقر بماند و جلب کند و چون جلب کرد نسل داشته باشد. اما احساس تفوق طلبی نقص است و باید یکی را برای اثبات فائق بودن خواستگاری کرد (25). لذا دختران و خانواده های آنها اقدامی در این جهت به عمل نمیاورند و قدم پیش نمی گذارند به همین جهت دختران یکی از مشکلات ازدواج خود را نیافتن همسر ایدهآل می نامند.

توجه به مسائل طبقاتی از جمله عواملی است که در راه انتخاب همسر همواره موثر بوده و بر مشکلات موجود بر سر راه ازدواج جوانان می افزاید. موقعیت طبقه ای جوانان عامل مهمی در انتخاب همسر است زیرا هر طبقه با خلق و خوی و آداب و عادات ویژه خود دنیای خاصی را تشکیل می دهد در نتیجه سازگاری بیشتر است. و والر (26) در گفتاری به نام زناشویی های درون گروهی تأکید می کند که: ((مهمترین واقعه در امر همسرگزینی، گرایش آن به سوی وصلتهای اجتماعاً همسان است.)) و این بدان معناست که ما خواهان ازدواج در طبقه خویشیم. (27)

در گذشته مسایل سنتی به حدی دست و پاگیر بود که ازدواج دو جوان ایرانی، در حقیقت ازدواج دو خانواده و گاهی دو قوم، یا قبیله بوده است و هرگونه رابطه ای بین زوج بر روابط خانواده یا قبایل طرفین اثر مستقیم داشته است (28). اکنون نیز توجه به موقعیت ممتاز خانوادگی و هم شان و هم سطح بودن و توجه به میزان و نقش منزلت نزد کسانی که دارای منزلت اجتماعی والاتری هستند و نیز آنهایی که در پایگاه پایین تری قرار دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است و همین امر آنها را مشکل پسند کرده و گاهی موجب می شود خانواده ای از ازدواج جوان خود فقط بنا به همین دلایل جلوگیری کرده و مانع ازدواج او بشوند.

ارتباط و آشنایی

با وجود اینکه جوانان انتخاب همسر را حق خود می دانند، اما شرایط لازم برای امکان آشنایی و برقراری ارتباط سالم و مشروع در بین جوانان بسیار کم و تقریباً صفر است. معمولاً شرایط اجتماعی، تحصیلی و جغرافیایی هر یک به گونه ای گزینش همسر را تحت تأثیر قرار می دهند. بدین سان انسانها بی هیچ منع قانونی خواه ناخواه همسر از بین کسانی برمیگزینند که امکان برخورد با او را در فضایی جغرافیایی بیابند و با توجه به این اصل که شناخت طرف مقابل با چند دیدار میسر نیست در جریان نخستین دیدارها (که به منظور شناخت متقابل صورت می گیرد) هر یک از داوطلبان ازدواج به نوعی دستخوش هیجان می شوند و به تبع آن تصنع رفتار در حدی وسیع خواهند داشت (29) و یا اینکه به سرعت مسائل عاطفی مطرح می شود و موضوع آشنایی و شناخت و معارفه خودبه خود منتفی می گردد. در چنین شرایطی به نظر می رسد اگر ازدواجی هم صورت بگیرد فاقد بعد ذهنی و روانی است و از نظر سلیقه و

علائق فردی، تطابق کافی بین زوجین وجود نداشته باشد.

تأثیر عوامل فرهنگ سنتی و غربی

مشکل دیگر ازدواج که موثر در سن ازدواج می باشد مسایل فرهنگی است. البته بیشتر این مشکلات ریشه در مسایل اجتماعی دارند و معدودی نیز خاص منطقه و یا قوم یا خانواده های مشخصی است (30).

از نیم قرن پیش تاریخ شاهد تغییری ژرف در احوال خانواده ایرانی و ناظر شکسته شدن قالبهای کهن آن شده است. در طی قرنهای طولانی زناشویی تابع مقررات سخت مذهبی و پیرو سنن دیرین بود و در محیطی مبنی بر عرف و عادت به وقوع می پیوست. تماس با تمدن صنعتی غرب، وجود وسایل ارتباط جمعی، گسترش شهرنشینی و تغییرات عمیقی که در زندگی عادی ایرانیان رخ داد همه امور را دگرگون کرد. در جامعه امروز تضادهایی فاحش در فرهنگ مردم دیده می شود. از سویی مقررات و عرف و عادات مذهبی و قانونی قدیم برجا هستند و جماعتی خصوصاً نسلهای مسن تر به آنها پایبند می باشند و از سوی دیگر نسل تازه ای ظهور می کند که تحت تأثیر عواملی که برشمردیم به ارزشها و اصول دیگری معتقد است و به اقتضای ضروریات و تحول و تغییر اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر، ناگزیر است که سنن کهنه را بشکند و دور بيفکند و در محیطی بیگانه نسبت به عرف و عادت، زندگی تازه ای بنا کند. در اثر این تفاوت نوعی اختلاف و کشمکش نهانی میان دو نسل مشاهده می شود. نسلی به فرهنگ و سنن قدیم دل بسته و نسلی تحت تأثیر عوامل فرهنگی خارجی است (31). این دگرگونیهای فرهنگی علاوه بر مشکلات و سدهای گوناگونی که بر سر راه ازدواج جوانان بوجود آورده است، موجب شده که، بسیاری از آداب و رسوم و سنن ارزشمند اسلامی - ایرانی ازدواج نیز به دست فراموشی سپرده شود و این سنت گرانبها، در میان برخی قشرهای جامعه حال و هوایی تازه پیدا کند. از آن جمله، آداب و رسوم نوینیا بعضی خانواده ها، تقلیدهای کورکورانه و تهیه جهیزیه های سنگین و تجملی و چشم هم چشمی در این خصوص که چون سد بزرگی بر سر راه ازدواج جوانانی که قلبا خواستار ازدواج و تشکیل خانواده هستند قرار گرفته است.

از طرفی دیگر، بعضی مسایل خرافی و نادرست و برخی مسایل سنتی غلط و رسوم دست و پاگیر قومی یا خانوادگی نیز وجود دارد که باید به شیوه های تبلیغی از بین برود. تردیدی نیست که یکی از مسایل و مشکلات مهم ازدواج جوانان فرهنگ خانواده هاست. يك خانواده علیرغم اینکه سعادت فرزندش را می خواهد و حسن نظر دارد، اما عملاً موانع بزرگی بر سر راه ازدواج او ایجاد می کند. به عنوان مثال می توان از رسم اولویت ازدواج با خویشان نام برد که در برخی فرهنگها مرسوم است و موجب محدودیت انتخاب جوانان می گردد و همین طور اعتقاد بعضی خانواده ها در مورد ازدواج فرزندان به ترتیب سن می باشد که موجب می گردد جوانان بسیاری از فرصتهای مناسب و مغتنم را از دست بدهند و بر سن ازدواج آنها اثر گذاشته و موجب تأخیر آن می گردد.

نقش سواد

در سرشماری سال 65 برای نخستین بار رابطه متغیر سواد با ازدواج مورد بررسی قرار گرفت (32). بر این اساس، نتایج به دست آمده به روشنی گویانین واقعیت است که سواد و ازدواج با یکدیگر همبستگی معکوس دارند. تحصیل از جمله معیارهایی است که هرچه سطح آن بالاتر رود بطور محسوس سن ازدواج نیز بالا می رود (33). احتمال ازدواج در جمعیت بی سواد بطور آشکاری بیش از جمعیت باسواد است. از سوی دیگر نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در میان باسوادان بیش از بی سوادان است (34).

دلایل تأخیر را می توان اینگونه بیان کرد که، افزایش سطح سواد نیاز به زمان بیشتری دارد که خود موجب تأخیر سن ازدواج می گردد. در سالهای پیش يك فرد تحصیلات خود را در هجده و بیست سالگی خاتمه می داد و در آغاز جوانی و اوایل بلوغ برای ازدواج آماده بود. بسیار اندک بودند کسانی که تا سی و چهل سالگی تحصیلات خود را در رشته های علمی و تخصصی ادامه دهند و بالتجیه برای ازدواج آمادگی نداشته باشند. اما در عصر حاضر جوانانی که مایل به ادامه تحصیل هستند تازه بعد از بیست سالگی وارد رشته های تخصصی علمی و صنعتی می شوند و تا مدتها نمی توانند ازدواج کنند. یکی دیگر از دلایل دیر ازدواج کردن افراد تحصیل کرده را در مشکل پسندی این گروه باید جستجو کرد که مسأله انتخاب آنها را با مشکل روبه رو می کند. زیرا بیشتر ازدواجها امروزه برمبنای همگنی و همسانی افراد است و به نظر می رسد که تحصیل نیز همه جا به عنوان معیاری در گزینش همسر مطرح باشد و گرایش انسانها به گزینش همسری مشابه از نظر تحصیلی به چشم می خورد، چون شخصیت تحصیلی به معنای تشابه دیدگاه نیز هست. بنابراین افراد تحصیل کرده تمایل به گزینش همسری دارند که از نظر تحصیلی با آنها همسانی داشته باشند و این امر در سن ازدواج آنها اثر می گذارد. علاوه بر این موارد، بلاتکلیفی در مورد امکان ادامه تحصیلات عالی و سالها پشت سد کنکور ماندن و علاقه به ادامه تحصیلات از مهمترین عوامل بازدارنده جوانان در پاسخ به نیاز طبیعی و غریزی ازدواج می باشد (35).

تحصیل، خود متغیر مستقلی نیست و سطح آن بستگی به عوامل متعددی دارد از جمله: شغل، درآمد، تحصیلات پدر و غیره که علاوه بر اثر مستقیمی که بر سن ازدواج می گذارند بطور غیرمستقیم نیز تأثیر گذارند. بدین ترتیب که سواد و شغل و درآمد و آگاهی و حتی اعتقادات افراد نیز احتمالاً موثر است که هر يك از این عوامل بطور جداگانه بر سن ازدواج اثر می گذارند (36).

نقش اعتقادات مذهبی خانواده ها

از طرفی دیگر شدت و ضعف اعتقادات مذهبی در خانواده ها در تعیین سن ازدواج نقش عمده ای دارد. خصوصا در مورد دختران، زیرا از نظر دین اسلام زود ازدواج کردن یکی از شایسته ترین کارهاست و هر پدری موظف است که هرچه زودتر دخترش را زودتر دهد. طبق تحقیقاتی که انجام گرفته است همبستگی بین سن ازدواج و معتقدات مذهبی پدر مثبت و تقریبا شدید است و میانگین سن ازدواج با ضعف اعتقادات بالا می رود (37).

تعالیم اسلام و الگوهایی که در دین وجود دارد و رواج ارزشهای اسلامی در نگرش افراد نسبت به مقوله ازدواج موثر بوده و عوامل مختلف را تحت الشعاع خود قرار می دهد. چنانچه می بینیم در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در کنار آداب و رسوم معمول ازدواج، توجه به ارزشهای اسلامی در امر همسرگزینی بیشتر شد و سن ازدواج به سرعت کاهش یافت (38). [با توجه به اینکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سن ازدواج بسیار بالا بود، بطوری که برای دخترها 18 تا 25 سال و پسرها 25 تا 33 سال و شاید هم بالاتر مطرح بود که این خود مشکلاتی دربر داشت]. ولی در سالهای بعد البته تاثیر عوامل مختلف میانگین سن ازدواج بتدریج افزایش یافت. چنانکه در فاصله سالهای 65 تا 69 از 87 / 18 به 05 / 20 سال رسیده است البته برای دختران، و امکان دارد این روند در آینده نیز تداوم یابد. (39)

تضادهایی که در جامعه وجود دارد در این امر بی تاثیر نبوده و بر مشکلات جوانان می افزاید و موجب سردرگمی و انزوای آنها می گردد. نحوه برخورد با مسایل در دانشگاهها و جامعه متفاوت است. در دانشگاهها با مسایل برخورد تحلیلی و منطقی می شود ولی وقتی به جامعه عام می رسد تضادهایی بین اصول اساسی و عملی مشاهده می گردد که موجب انزوا و سردرگمی جوانان می گردد. الگوهایی که در مدارس عنوان می شوند و الگوهایی که خانواده ها فراروی جوانان می گذارند بعضا یکسان نیست. قالبهایی که جامعه روحانی تقدیم جوانان می کند با قالبهای جمهوری اسلامی در مواردی تطابق ندارد و جوان دچار تعارض می شود. عدم هماهنگی بین برنامه ریزیهای دولت و خانواده ها وجود دارد. همچنین تضاد بین الگوهایی که دولت می دهد با الگوهایی که خانواده ها ارائه می کنند و تضاد افکار در بین خانواده ها که تاثیر عمیقی بر افکار جوانان دارد، موجب بلاتکلیفی آنها می گردد. علاوه بر اینها تضاد بین جامعه سنتی و صنعتی و تضاد بین ارزشهای پذیرفته شده و آنچه بدان عمل می شود بوضوح مشاهده می گردد و این امر موجب دگرگونی ارزشها و بلاتکلیفی جوانان گردیده و بر مسایل مختلف از جمله ازدواج تاثیر می گذارد. اکنون نظام اجتماعی کارکرد حفظ الگوی خود را از دست داده به عبارت دیگر، الگوها در انتقال صحیح و کامل ارزشها و هنجارها به اعضای جامعه ناموفق بوده اند و نظام ارزشی دست خورده و مردم در بعضی موارد دچار تعارض در ارزشها شده اند. در چنین شرایطی سردرگمی در امور تحصیلی و شغلی و دیگر امور اجتماعی در امر ازدواج جوانان اثر گذاشته و سن ازدواج آنها را به عقب می برد.

تنظیم خانواده

هرگاه سیاستهای کنترل جمعیت در کشور اتخاذ و اعمال می شود تبلیغ در مورد مسایل جمعیتی بر سن ازدواج اثر می گذارد. چون برنامه های تنظیم خانواده برای آگاهی مردم کافی نیست و آموزش لازم به منظور جلوگیری از زاد و ولد به مردم ارائه نمی شود. معمولا سیاست دولت در این گونه موارد با تشویق جوانان به امر ازدواج مغایرت داشته و موجب افزایش سن ازدواج می گردد (40). بطوری که آمار نشان می دهد زنانی که تا سن 25 سالگی ازدواج نکرده اند، عملا تعداد فرزندانشان کمتر از زنانی خواهد بود که در سنین پایین تر (19 - 13) ازدواج کرده اند (41). ملاحظه می شود که گاهی اوقات برنامه ریزی دولت در کشورهای در حال توسعه که بطور اصولی و کامل اجرا نمی شود، بر سن ازدواج اثر گذاشته و ایجاد مشکل می کند. ادامه دارد.

پی نوشتها:

- 1 - (عبداللهی، رضا) - نظام اسلامی و مسایل و مشکلات نسل نو، اطلاعات، 10 آذر 66، ص 7.
- 2 - همان منبع.
- 3 - (علامه طباطبایی) - ازدواج دائم و ازدواج موقت از نظر اسلامی، گردآورنده حسن موجودی، انتشارات موجودی 1364.
- 4 - همان منبع.
- 5 - A. Girard
- 6 - (ساروخانی، باقر) - مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ اول، 1370.
- 7 - (سهراب، عنایت الله) - ازدواج در آستانه علم، جلد 1 - م، ناشر، تأیید اصفهان، 1349.
- 8 - (ساروخانی، باقر).
- 9 - همان منبع.
- 10 - (پوریوسفی، حمید) - سن ازدواج در ایران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون 55.
- 11 - (جهانفر، مجید) - مشکلات و مسایل بهداشتی و اجتماعی جوانان، علم و زندگی، سال 7، ش 5 مرداد 65.
- 12 - سمینار جوان و ازدواج - گزارش جلسه افتتاحیه سمینار، عصرجدید 7 شماره 1، سال اول، آذر 70.

- 13 - (خلیقی، حسین) - ازدواج و جوانان، رسالت، 8 مرداد 66، ص 10.
- 14 - (خورشیدوند، ابوالقاسم) - ازدواج جوانان، مسأله ای که حل آن یاری مسوولان را می طلبد، اطلاعات، 7 آذر 71.
- 15 - سمینار جوان و ازدواج، همان منبع.
- 16 - (ساروخانی، باقر) - همان منبع.
- 17 - (خلیقی، حسین) - همان منبع.
- 18 - L.g.cottrell, E.W.Burgess, 1939
- 19 - G.Karllsson, 1963
- 20 - (ساروخانی، باقر) - همان منبع.
- 21 - (سهراب، عنایت الله) - همان منبع.
- 22 - (بهنام، جمشید) - بررسی امر ازدواج در مرحله انتقالی جامعه ایرانی، سمینار علوم اجتماعی، دانشگاه تهران موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات.
- 23 - G.Karllsson
- 24 - (ساروخانی، باقر) - همان منبع.
- 25 - (پاک نژاد، سیدرضا) - ازدواج مکتب انسانسازی، جلد 1 و 2 و 3، انتشارات یاسر.
- 26 - W.Waller
- 27 - (ساروخانی، باقر) - همان منبع.
- 28 - مروری بر مسایل و مشکلات جوانان در راه ازدواج - (1)، گزارش، اطلاعات، 24 آذر 66، ص 5.
- 29 - (ساروخانی، باقر) - همان منبع.
- 30 - مروری بر مسایل و مشکلات جوانان در راه ازدواج - (1)، همان منبع.
- 31 - (بهنام، جمشید) - همان منبع.
- 32 - آمار ازدواج و طلاق در ایران و جهان، ابرار، 25 شهریور 70، ص 5.
- 33 - (بالی داشک، ابوالقاسم) - عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر در تعیین سن ازدواج زنان کارمند، رساله لیسانس، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون سال 37 - 36.
- 34 - منبع شماره 1.
- 35 - (عبداللهی، رضا) - نظام اسلامی و مسایل و مشکلات نسل نو، اطلاعات، 10 آذر 66، ص 7.
- 36 - (بالی لاشک، ابوالقاسم) - همان منبع.
- 37 - (بالی لاشک، ابوالقاسم) - همان منبع.
- 38 - بی ارزشی مجرد را چگونه به ارزش ازدواج مبدل کنیم. تحلیل گزارشی از چگونگی ازدواج سالم در نگاه مردم و صاحب نظران، رسالت، 17 اردیبهشت 66.
- 39 - (خاوری، اعظم) - تحلیل الگوی سنی ازدواج براساس نتایج طرح نمونه گیری زاد و ولد جمعیت، فصلنامه علمی پژوهشی سازمان ثبت احوال کشور، ش دو، پاییز 71.
- 40 - ازدواج موقت یکی از راههای مهار بی بندوباری و فساد، کیهان 25، شهریور 70.
- 41 - آمار ازدواج و طلاق در ایران و جهان، همان منبع.
- ماهنامه پیام زن - شماره 39 - خرداد 74